

شاهدان يهوه را  
بشناسيم

شاهدان يهوه را  
بشناسيم

گردآوری و ترجمه: سارو خاچيکي

چاپ دوم

## تاریخچه شاهدان یهوه

در ماه فوریه ۱۸۵۲، در شهر پیستبورگ واقع در ایالت پنسیلوانیا (ایالات متحده آمریکا)، در یک خانواده پرسبیتی پرسی متولد شد که نامش چارلز تیزراسل بود. در سن بیست و پنج سالگی فروشنده لباس مردانه شد و در کسب خود مهارت زیادی داشت.

مهارت او در فروشنده‌گی باعث شد وارد فعالیت‌های کلیسایی شود. زمینه مذهبی خاصی که سبب گردید اعتقاد به وجود جهنم را از همان ابتدا رد کرد. در سن پانزده سالگی نسبت به مذهب شکاک بود، ولی چیزی نگذشت که به مطالعه مجدد کتاب مقدس پرداخت. بدون آمادگی کافی، برای خود طرح‌هایی ریخته تا به آن وسیله کتاب مقدس را تفسیر کند. کتاب‌هایی که او نوشته اساس عقاید شاهدان یهوه را تا به امروز تشکیل می‌دهند. در سال ۱۸۷۰ در پیستبورگ گروهی برای مطالعه کتاب مقدس تشکیل داد و شش سال بعد بدون اینکه رسماً دستگذاری شود به عنوان «شبان» تعیین شد.

در سال ۱۸۷۹ به انتشار کتاب «زایونس واچ تاور» مبادرت به عمل آورد که در آن سال تیراژ آن کتاب ۶۰۰۰ نسخه بود و حالا به میلیون‌ها نسخه می‌رسد. ده سال بعد او انجمن «واچ تاور» را افتتاح نمود. این انجمن به همراه انجمن‌های مشابه دیگر به انتشار میلیون‌ها نشریه به زبان‌های مختلف دنیا پرداختند تا عقاید شاهدان یهوه را ترویج دهند. در سال ۱۹۰۸ ستاد نهضت شاهدان یهوه به بروکلین

## شاهدان یهوه را بشناسیم

گروه شاهدان یهوه سال‌هاست که فعالیت می‌کنند. نخستین بار که با آنها برخورد کردم پانزده سال قبل بود. فکر می‌کردم این گروه مانند سایر گروه‌های مسیحی به مسیح ایمان دارند ولی چیزی نگذشت که از گفتگوی با آنها دریافتم عقایدی بس عجیب و دور از واقعیت را تبلیغ می‌کنند. اینها هیچ یک از فرقه‌های مسیحی را قبول ندارند و تنها خودشان را «گوسفندان» مسیح می‌دانند. اصرار بی‌حدی در وارد شدن به منازل مسیحیان به اصطلاح گمراه دارند و برای تبلیغ عقاید خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند زیرا اگر گوشش نکنند ممکن است نجات پیدا نکنند!

در این کتاب مختصر، ابتدا به تاریخ پیدایش این فرقه دروغین می‌پردازیم، سپس عقاید آنان را آشکار می‌سازیم، تا خوانندگان عزیز قبل از اینکه در دام عقاید غلط آنان بیفتند، واقعیت امر را شناخته باشند و بتوانند با آن مقابله نمایند.

ناشر

دادگاه علیه ولی شکایت و تقاضای صد هزار دلار خسارت نمود. دادگاه بازرسانی را مأمور رسیدگی به پرونده نمود و بازرسان پس از بررسی هیچ مزیتی در «گندم معجزه گر» نیافتند و در نهایت دادگاه راسل را محکوم به پرداخت خسارت نمود.

در یک دادگاه دیگری در کانادا، وی قبل از محاکمه سوگند یاد کرد که قادر به خواند زبان اصلی انجیل یعنی یونانی می باشد، اما پس از سؤالات متعدد مسئولین دادگاه بالاخره مجبور شد اعتراف کند که یونانی نمی داند. در نتیجه دادگاه او را به سوگند شکنی نیز محکوم کرد.

تعلیمات جدید «شبان راسل» از طریق رادیو و مطبوعات با سرعت زیادی توسعه می یافت. اثر مهم او شش جلد کتاب به نام مطالعاتی در کتاب مقدس است.

راسل در سال ۱۹۱۰ در مجله «واچ تاور» اظهار نموده بود که بهتر است مردم به جای خواندن کتاب مقدس، کتابهای او را بخوانند! سرانجام در ۱۶ اکتبر ۱۹۱۶ زمانی که از یک مجلس سخنرانی باز می گشت، در بین راه در داخل قطار درگذشت.

چند ماه پس از فوت راسل، «ژوزف راترفورد» به جانشینی او انتخاب شد. وقتی وی سر خاک راسل موعظه می کرد، برای او امتیاز ویژه ای قائل شد.

بنا بر عقاید شاهدان یهوه، مردگان هیچ احساس و هشیاری ندارند، به استثنای راسل که بعد از مرگ در حضور خدا بود! راترفورد که در ایالت میسوری یک وکیل دادگستری بود در دام تعلیمات راسل گرفتار شد. در تماسی که بین آنها ایجاد شد، راسل از راترفورد خواست از

(نیویورک) منتقل گشت. «بیش از ۲ میلیون از شاهدان یهوه، در حال حاضر در ۲۱۰ کشور و سرزمین های سراسر دنیا در ۱۴۰۰۰۰۰ خانه، مطالعات هفتگی کتاب مقدس را انجام می دهند. از سال ۱۹۴۲ تا به حال، شاهدان داوطلب ۴۱۵ میلیون کتاب مقدس و کتاب های درسی وابسته به کتاب مقدس و همچنین ۵۹۵۰ میلیون نسخه مجله «واچ تاور» و «اویک» چاپ و منتشر نموده اند. (بشارتی برای خوشبخت نمودن شما، سال ۱۳۵۷، صفحه ۱۴۹).

واقعاً که شاهدان یهوه، هستی خود را مدیون راسل هستند!

زندگی و خصوصیات اخلاقی راسل همیشه بحث برانگیز و جنجالی بوده است. به علت روابط نامشروع او با یک زن و نیز اختلافاتی که بر سر طرز اداره کردن نشریه واچ تاور بین او و همسرش بوجود آمد، خانم راسل در سال ۱۸۹۷ از او جدا شد. شش سال بعد دادگاه خانواده به مسئله آقا و خانم راسل رسیدگی کرد و سرانجام در سال ۱۹۰۶ طلاق نامه رسمی را جاری نمود و آقای راسل بر خلاف میل باطنی اش محکوم به پرداخت ۶۰۳۶ دلار به همسرش شد.

تاریخ شاهدان یهوه را باید اکثراً در پرونده های دادستانی این فرقه یافت، زیرا نه تنها زندگی پایه گذار این مکتب یک استثناء نبود بلکه پیروانش هم دست کمی از او نداشتند. به طور مثال در اوائل قرن بیستم «شبان راسل!» شروع به تبلیغ در مورد «گندم معجزه گر» نمود و مدعی بود هر که این گندم را از قرار هر کیلو دو دلار بخرد و اقدام به کاشت آن نماید پنج برابر بیشتر از گندم معمولی محصول خواهد داشت. اما سردبیر یکی از روزنامه ها به این عمل او اعتراض رد کرد و به

بر اساس عقاید این فرقه به عمل آمده که به «ترجمه نیو ورلد (دنیای جدید) معروف است. مترجمین کتاب مزبور ناشناخته باقی مانده اند. معمولاً دانشمندان کتاب مقدس از ارائه اسامی خود در آثارشان خوشحال می شوند، ولی این در مورد نویسندگان «شاهدان» صادق نیست، و عموماً نوشته های آنان فاقد نام مؤلف هستند.

فعالیت «شاهدان یهوه» با رهبری «نر» از زادگاه این فرقه، آمریکا، به کشورهای دیگر که رقم آنها به ۲۰۰ می رسد توسعه یافته است.

### عقاید شاهدان یهوه

رمز موفقیت شاهدان یهوه چیست؟ آنها چه چیزی به مردم می گویند که آنها را شیفته عقاید خود می سازند؟ آنچه شاهدان یهوه به مردم یاد می دهند حاکی از امید و وعده های عالی برای بشریت است. پیغام آنها درباره دنیای تازه ای است که به زودی ظاهر خواهد شد.

عقاید شاهدان یهوه را می توان به طور خلاصه در دو کتاب تحت عنوان «حقیقتی که به حیات ابدی هدایت می کند» و «بشارتی برای خوشبخت نمودن شما» که به زبان فارسی موجود است، یافت. به همین جهت کوشش می کنیم با اشاره به این دو کتاب به بحث درباره عقاید آنها بپردازیم.

۱- یگانه خدا «یهوه» است و مسیح «پسر نخست زاده» اوست  
شاهدان یهوه «تثلیث اقدس» را صریحاً رد می کنند. روح القدس

شد. در تماسی که بین آنها ایجاد شد، راسل از راتفوردرخواست از دیدگاه یک وکیل حقوقی، کتابی درباره مشیت الهی بنویسد. و بدین ترتیب راتفوردر وارد مبارزات این فرقه شد.

چیزی نگذشت که راتفوردر تمام استعدادهای خود را برای رهبری گروه راسل به کار گرفت. در جلسات دادگاه بدون واهمه به دفاع از عقاید راسل که مرتب مورد حمله قرار می گرفت، پرداخت. حملات مردم به این عقاید باعث تقویت این فرقه گردید. «راتفوردر» علیه «مذهب متشکل» که منظورش مسیحیت به طور کلی است، برخاست و قلمش را در تخطئه تاریخ کلیسا بکار برد، کشیشانی را که دکترای افتخاری در الهیات داشتند به باد انتقاد گرفته آنها را «سگهای خرفت» نامید. این حملات بسیار تند و مداوم بود.

راتفوردر از خود راسل نیز بیشتر می نوشت. صد جلد کتاب منتشر کرد که به هشتاد زبان ترجمه و توزیع شد. قد و قامت و فصاحت کلام او تأثیر زیادی روی مردم داشت و وجهه خاصی به رهبریت او می بخشید.

پس از مرگ راتفوردر در سال ۱۹۴۲، «ناتان نر» به عنوان سومین رئیس انجمن شاهدان یهوه انتخاب شد. «نر» در سال ۱۹۰۵ متولد و در هجده سالگی به طور تمام وقت وارد فعالیت های شاهدان یهوه گردید. بر عکس رؤسای قبلی این فرقه، «نر» دوست ندارد اسمش سر زبان ها بیافتد. از وقتی که او روی کار آمده تأکید مخصوصی روی برنامه های آموزشی و آمادگی برای «شاهدان» می شود و در این زمینه کتاب های زیادی منتشر شده است. اخیراً نیز ترجمه ای از کتاب مقدس

«که چون (مسیح) در صورت خدا بود با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد لیکن خود را خالی کرده صورت غلام را پذیرفت» (فی ۲: ۶-۷).

از آیات فوق پیداست که روح القدس و مسیح از مقام و شخصیت خدایی برخوردار هستند. اگر مسیح خود خدا نبود نمی توانست برای نجات انسان جسم پوشیده کفاره گناهان او شود و به انسان نشان دهد که خدا چگونه است (عبر ۱: ۳).

«در باره اظهاری که در یوحنا ۱: ۱ شده چه می توان گفت ... متن اصلی یونانی بعضی ترجمه ها آیه یک را چنین می خوانند: کلمه با خدا بود و کلمه الهی بود «و یا (یک خدا) بود» (حقیقتی ... ص ۲۴). غیر از کتاب مقدس «نیوورلد» (کتاب مقدسی که توسط شاهدان یهوه ترجمه شده است) هیچ ترجمه معتبر، و حتی ترجمه تفسیری، در هیچ زبانی یوحنا ۱: ۱ را به صورت فوق ترجمه نمی کند. و جالب اینجاست که کسانی ادعا می کنند که تنها ترجمه درست از زبان یونانی را انجام داده اند که پیشوایان نشان مانند «راسل» و دیگران، حتی الفبای یونانی را درست نمی دانستند!

امروزه نیز شاگردان آنها وقتی در مقابل آیه ای از کتاب مقدس قرار می گیرند که با عقاید آنها سازگار نیست فوری می گویند «یونانی این کلمه معنی دیگری دارد» ولی باید پرسید کدام یونانی، یونانی کتاب مقدس یا یونانی «راسل»!

وقتی یوحنا در ابتدای انجیل خود می نویسد «کلمه (مسیح) خدا بود» (یوحنا ۱: ۱) منظور کاملاً روشن است. شاهدان یهوه که فکر

را قدرت خدا می دانند و برای وی شخصیت یا الوهیت قائل نیستند. آنها معتقدند مسیح با خدای پدر برابر نیست بلکه مخلوق اوست.

درست است که کلمه «تثلیث» در کتاب مقدس یافت نمی شود، ولی نمی توان منکر واقعیت آن شد. چون سراسر کتاب مقدس صحبت از این می کند که پدر، پسر و روح القدس هر سه قدرت خدایی دارند. به آیات زیر توجه فرمایید:

«خدا گفت آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما بسازیم» (پید ۱: ۲۶).

«پس رفته همه امته را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید». (مت ۲۸: ۱۹).

«آنگاه پطرس گفت ای حنانیا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب دهی. به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا» (اع ۵: ۳-۴).

«نعمت ها انواع است، ولی روح همان؛ و خدمت ها انواع است اما خداوند همان؛ و عمل ها انواع است لکن همان خدا همه را در همه عمل می کند» (۱-قرن ۱۲: ۴-۶).

«برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح» (۱-پطر ۱: ۲).

«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (یو ۱: ۱)

«در وی (مسیح) از جهت جسم تمامی پری الوهیت ساکن است». (کول ۲: ۹).

مرگ مسیح باعث شد انسان حق داشتن زندگی خوب و بی درد سر را از دست داده و مجدداً بدست آورد.

آنها گناه را آنقدر مهیب نمی دانند که در واقع هست، در نتیجه نمی توانند این حقیقت را ببینند که مسیح به وسیله ریختن خون خود بود که توانست انسان گناهکار را با خدای قدوس و عادل آشتی دهد. (ر.ک یو ۱: ۲۹؛ ۱- پطرس ۲: ۲۴).

### ۳. بازگشت ثانوی مسیح در سال ۱۹۱۴ میلادی اتفاق افتاد

«عیناً همان طوری که عیسی اعلام کرده بود، جمیع این حقایق (اشاره به وقایع جنگ جهانی اول) سال ۱۹۱۴ را به عنوان مبدأ «روزهای آخر» و سالی که ملکوت خدا حکومت فعال خود را شروع کرد ثابت می کند» (حقیقتی .... ص ۸۸)

شاهدان یهوه معتقدند که عیسی مسیح در سال ۱۹۱۴ به زمین بازگشته است و چون او روح است و دیگر بدن ندارد، کسی نمی تواند او را ببیند. آنها می گویند همان طور که در متی ۲۴: ۳، ۷، ۸ مذکور است، که جنگ ها و قحطی ها و غم ها نشانه آمدن خداوند است در سال های ۱۹۱۴-۱۹۱۸ تمامی این نشانه ها در جنگ جهانی اول مشاهده شده است.

بلی، درست است که اینها نشانه های آمدن ثانوی عیسی مسیح است ولی این را نیز نباید فراموش کرد که مسیح فرمود مردم بازگشت او را به چشم خواهند دید: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد

می کنند منظور یوحنا چیز دیگری بود بهتر است انجیل یوحنا ۲۰: ۲۸ را نیز بخوانند تا در خدا بودن مسیح شک نداشته باشند: «توما در جواب وی (مسیح) گفت، ای خداوند من و ای خدای من».

### ۲. فدیة مسیح برای زندگی بهتر انسان

شاهدان یهوه معتقدند که انسان گناهکار است (البته آنها معنی عمیق گناه را نمی دانند) و به وسیله قربانی یا فدیة می تواند نجات یابد. «پس خدا پسر خود را به زمین فرستاد و عیسی مانند یک انسان متولد شد، زیرا که یک زندگی انسانی احتیاج بود .... پس عیسی کاملاً حائز شرایط بود که زندگی خود را به عنوان « فدیة ای معادل «تقدیم کند» (حقیقتی .... ص ۵۲).

آنها می گویند آنچه می بایست فدیة شود فقط حیات انسانی مسیح بود. وقتی مسیح حیات انسانی خود را فدا ساخت، دیگر نمی توانست آن را پس بگیرد، در نتیجه رستخیز مسیح «روحی» بود. «خداوند یهوه پسرش را در قبر ترک نکرد، بلکه در روز سوم را برخیزانید ولی به او زندگی مجدد انسانی نداد، زیرا این به معنای آن می شد که عیسی ارزش قربانی خود را پس می گیرد... برای اثبات رستخیز خود، در فاصله چهل روز پس از رستخیز، آشکارا جسم های مختلف پوشیده، بر شاگردانش ظاهر گشت» (حقیقتی .... ص ۵۳).

آنها می گویند مسیح با فدیة جان خود زندگی روحانی را برای انسان فراهم نساخت بلکه زندگی مرفه و کامل انسانی را که بشر از دست داده بود. آنچه شاهدان یهوه در این مورد می گویند این است که

بر هلاک کردن روح و جسم را نیز در جهنم». (ر. ک مکا ۲۰:۱۵).  
شاهدان یهوه می گویند که خدای رحیم و مهربان نمی تواند مردم را به جهنم ابدی بفرستد و آنها را معذب سازد. ولی آیا این خداست که مردم را به جهنم می فرستد و آنها را عذاب می دهد؟ در کتاب مقدس می خوانیم که او نمی خواهد هیچ کس هلاک شود (۲. بطر ۳:۹). بلکه انسان خودش است که راه جهنم را انتخاب می کند. خدا محبت است، ولی در عین حال عادل نیز می باشد. کسانی که گناه می کنند به سزای اعمال خود می رسند.

#### ۵- ۱۴۴ هزار نفر

شاهدان یهوه به دو گروه اصلی تقسیم می شوند. کسانی که مقامی مهم دارند و در رأس کارها قرار گرفته اند به «۱۴۴ هزار نفر» معروف هستند. این عدد از کتاب مکاشفه اخذ شده است، که بنا به تفسیر اکثر مسیحیان عددی است نمادین که به دوازده سیط اسرائیل اشاره دارد. اما شاهدان یهوه می گویند این رقم کسانی است که در گروه آنها هستند و به وسیله خداوند انتخاب شده اند تا رهبران مخصوص گروه باشند. گروه دوم آنهایی هستند که به خانه های مردم وارد می شوند و درباره عقاید خود صحبت می کنند. این گروه «گوسفندان دیگر» لقب دارند. اینها آینده درخشانی مثل آن ۱۴۴ هزار نفر ندارند بلکه باید سخت کار کنند تا نجات یابند. به همین دلیل است که این گروه این قدر فعالیت می کنند.

آمد به همین طور که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اع ۱:۱۱). در همان فصلی که مسیح صحبت از نشانه های آمدنش می کند، در ضمن می گوید «... در آن وقت جمیع طوائف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم می آید» (مت ۲۴:۳۰). در مورد اینکه شاهدان یهوه می گویند عیسی مسیح فقط از لحاظ روحی زنده شد کافی است که آنچه که مسیح در لوقا ۲۴:۳۹ می فرماید، مطالعه کنند: «دست ها و پای هایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر من گذارده ببینید زیرا که روح گوشت و استخوان ندارد چنان که می نگرید که در من است».

#### ۴- جهنم ابدی وجود ندارد

«مذاهب جهان مسیحیت و سرزمین های دیگر با گفتن اینکه جان بعد از مرگ بدن به زندگی ادامه می دهد، یک دروغ را تعلیم می داده اند ... در کتاب مقدس ... حتی یک مورد نیز یافت نمی شود که با اصطلاحاتی از قبیل فناپذیری، نابود نشدن، غیر قابل هلاک، بدون مرگ و یا مثل آنها توصیف شده باشند» (بشارتی ... ص ۹۳)؛ «جهنم به معنی از بین رفتن است، و نه به معنای شکنجه ابدی» (بشارتی ... ص ۹۵).

شاهدان یهوه معتقدند که وقتی انسان می میرد، دیگر از وجود و هستی ساقط می شود. روح هرگز از بدن جدا نمی شود بلکه همراه آن، هنگام مرگ می میرد. ولی در متی ۲۸:۱۰ می خوانیم: «از قاتلان جسم که قادر به کشتن روح نیند بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر است

## ۶- جنگ حار مجدون

شاهدان یهوه می‌گویند به زودی جنگی در می‌گیرد که به حارمجدون معروف است. نام حارمجدون را در مکاشفه ۱۶:۱۶ می‌خوانیم که جنگی است علیه قوم اسرائیل. ولی شاهدان یهوه معتقدند این یک جنگ جهانی خواهد بود که در یک طرف تمام ملل دنیا، رهبران مسیحیت (که به گفته آنان از شیطان هستند)، و تمام غیرمسیحیان، و در طرف دیگر بازماندگان ۱۴۴ هزار نفر و «گوسفندان دیگر» قرار خواهند داشت. هم زمان با این جنگ که روی زمین به وقوع می‌پیوندد، جنگ دیگری نیز در آسمان بین خدا و شیطان در می‌گیرد.

نتیجه جنگ حارمجدون مصیبت بار خواهد بود. دو میلیارد نفر کشته خواهند شد، مسیحیت نابود خواهد گردید، و تمام ملل دنیا هلاک خواهند شد. هیچ یک از کسانی که بر ضد یهوه بودند جان سالم بدر نخواهند برد. تنها «شاهدان یهوه» در این جنگ زنده خواهند ماند.

## ۷- رستاخیز

به گفته شاهدان یهوه، بعد از جنگ حارمجدون وقایع خوشحال کننده‌ای رخ خواهد نمود. نخست بقیه ۱۴۴ هزار نفر که هنوز روی زمین باقی باشند می‌میرند و مستقیماً به آسمان می‌روند تا با عیسی سلطنت کنند. «گوسفندان دیگر» که از جنگ حارمجدون جان سالم بدر برده‌اند، آماده داوری می‌شوند.

سپس مردم خوب دنیا مثل، ابراهیم، موسی، داود و بعد از آنان، «گوسفندان دیگر» زنده می‌شوند. پس از آن یهوه تمام کسانی را که فرصت شنیدن حقایق مربوط به یهوه را نداشته‌اند دوباره حیات خواهد داد تا در مدت هزار سال تعلیم ببینند. در روز داوری این اشخاص باید یهوه را قبول یا رد کنند. کسانی که یهوه را رد کنند نابود خواهند شد و بقیه تا ابد روی زمین باقی خواهند ماند.

## ارزیابی عقاید شاهدان یهوه

در کجای کتاب مقدس می‌توان چنین مطالب شسته رفته‌ای یافت؟ هیچ جا. کتاب مقدس این طور تعلیم می‌دهد که بعد از مرگ فرصت دیگری برای نجات یافتن نخواهد بود. در سلطنت هزار ساله مسیح چنین چیزی نمی‌بینیم که دوره آموزشی برای کسانی که خبر نجات را نشنیده‌اند وجود داشته باشد. بلکه در مکاشفه ۱۵:۲۰ می‌خوانیم «هر که در دفتر حیات مکتوب نشد به دریاچه آتش افکنده گردید».

یکی از علائم مشخصه شاهدان یهوه نفرتی است که از مسیحیان دارند. آنها معتقدند که تمام مسیحیان در جنگ حارمجدون نابود می‌شوند.

همان طور که دیدیم درباره مسیح نیز عقاید عجیب و غریبی دارند. او را مخلوق خدا می‌دانند. یهوه فقط نجات دهنده است. می‌گویند وقتی عیسی مسیح در آسمان بود همان میکائیل فرشته بود. وقتی به جهان آمد از طبیعت فرشته‌ای خود خارج شده یک انسان محض شد.



## اختلاف عقاید مسیحیان و شاهدان یهوه

### عقاید مسیحیان

#### خدا

خدا ابدی، دارای شخصیت، و وجودی است روحانی در سه شخص پدر، پسر، و روح القدس (مت ۳: ۱۳-۱۷، ۱۹: ۲۸، ۲-قرن ۱۳: ۱۳).

#### جاودانگی

کتاب مقدس چنین تعلیم می‌دهد که انسان روح ابدی و فناپذیری دارد (پید ۱: ۲۶، ۱: ۵؛ ایوب ۸: ۳۲؛ اع ۷: ۵۹؛ ۱-قرن ۷: ۱۱).

#### عیسی مسیح

مسیح جزئی از تثلیث اقدس می‌باشد و خداست (یو ۱: ۱؛ کول ۱۵: ۱-۱۹، ۲: ۹؛ ۱-یو ۵: ۷-۸). مسیح از جنبه الوهیت برخوردار نیست.

پس وقتی هم مرد، چون فقط یک انسان بود، این قدرت را نداشت که برای تمام مردم جهان کفاره شود. شاهدان یهوه معتقد به قیام بدنی مسیح نیستند بلکه رستاخیز او را تنها از لحاظ روحانی توجیه می‌کنند. آنها هم مثل بی‌ایمانان دیگر نمی‌دانند بدن مسیح در قبر چه شد و نمی‌توانند کفن خالی مسیح را توجیه کنند (یو ۲۰: ۵).

برای مقابله با ادعاهای شاهدان یهوه لازم است مسیحیان از نجات خود مطمئن باشند، نجاتی که بر پایهٔ مصلوب شدن و قیام عیسی مسیح از مردگان استوار است. باید با پولس همصدا شده بگویند:

«لیکن اگر به مسیح وعظ می‌شود که از مردگان برخاست چون است که بعضی از شما می‌گویند که قیامت مردگان نیست؟ ... زیرا هرگاه مردگان بر نمی‌خیزند مسیح نیز برنخاسته است، اما هرگاه مسیح برنخاسته است ایمان شما باطل است و شما تاکنون در گناهان خود هستید ... لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است.» (۱-قرن ۱۵: ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۰).

و حال برای اینکه خوانندگان عزیز اطمینان حاصل کنند که عیسی مسیح همان خدا یا یهوه است که در عهد عتیق درباره اش می خوانیم، از کتاب مقدس چند آیه در زیر نقل می کنیم.

#### ۱- یهوه مذکور در عهد عتیق

صدای ندا کننده در بیابان: راه خداوند (کلمه عبری یهوه در اینجا به فارسی خداوند ترجمه شده است) را مهیا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید. (اش ۳:۴۰).

#### ۲- یهوه عدالت ما

##### «در عهد عتیق»

خداوند می گوید اینک ایامی می آید که شاخه عادل برای داود برپا می کنم و پادشاهی سلطنت نموده به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را در زمین مجرا خواهد داشت، در ایام وی یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و اسمی که به آن نامیده می شود این است «یهوه صدقینو» (یهوه عدالت ما) (ار ۲۳:۵-۶)

#### کفاره

مرگ مسیح جریمه کامل گناهان مرگ مسیح فرصتی برای انسان به بشر را پرداخت (روم ۳:۲۴، ۲۵؛ وجود می آورد تا با کوشش خود به کول ۱:۲۰؛ ۱- پطرس ۲:۲۴؛ ۲- قرن نجات دست یابد، یعنی زندگی کامل انسانی بر روی زمین. (۲۰:۵).

#### رستاخیز

مسیح از لحاظ بدنی از قبر قیام مسیح همچون «روح الهی» قیام کرد. کرد (یو ۲:۲۱، ۲۰:۲۴-۲۹؛ آنها قیام بدنی مسیح را انکار می کنند. لو ۲۴:۴۳).

#### بازگشت مسیح

بازگشت مسیح قابل رؤیت مسیح به طور نامرئی در سال ۱۹۱۴ به خواهد بود (۱- تسلا ۴:۱۶، ۱۷؛ زمین برگشت و حال از آسمان بر زمین مسیح ۲۴:۳۰؛ زک ۱۲:۱۰؛ حکومت می کند. مکا ۱:۷).

#### جهنم

مجازات ابدی برای گناهکاران جهنم یا مجازات ابدی وجود وجود دا (مت ۵:۲۲، ۸:۱۱-۱۲، ندارد. کسانی که با معیارهای یهوه ۱۳:۴۲، ۵۰، ۱۳:۲۲؛ لــــو سازگار نباشند از هستی ساقط می شوند یعنی دیگر وجود نخواهند داشت و چیزی نخواهند فهمید. یهودیت ۱۳؛ مکا ۹:۲۴-۱۱).

## ۵. خدای ابدی و خالق

### «در عهد عتیق»

گفتم ای خدای من مرا در نصف روزهایم بر مدار؛ سال‌های تو تا جمیع نسل‌هاست؛ از قدیم بنای زمین را نهادی و آسمان‌ها عمل دست‌های توست، آنها فانی می‌شوند لیکن تو باقی هستی و جمیع آنها مثل جامعه مندرس خواهند شد و مثل ردا آنها را تبدیل خواهی کرد و مبدل خواهند شد لیکن تو همان هستی و سال‌های تو تمام نخواهد گردید (مز ۱۰۲: ۲۴-۲۷).

## ۶. خدای حق

### «در عهد عتیق»

اما یهوه خدای من است و او خدای حی و پادشاه سرمدی می‌باشد از غضب او زمین متزلزل می‌شود و امتهای قهر او را متحمل نتوانند شد (ار ۱۰: ۱۰).

## خدای ابدی و خالق

### «در عهد جدید»

اما در حق پسر (عیسی مسیح) ای خدا تخت تو تا ابدالابد است و عصای ملکوت تو عصای راستین است (عبر ۱: ۸). و (نیز می‌گوید) تو ای خداوند در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دست‌های توست، آنها فانی لکن تو باقی هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد. (عبر ۱: ۱۰-۱۲)

## عیسی خدای حق

### «در عهد جدید»

اما آگاه هستیم که پسر خدا آمده است و به ما بصیرت داده است بشناسیم و در حق یعنی در او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای حق و حیات جاودانی (۱- یو ۵: ۲۰).

## ۳. یهوه اول و آخر

### «در عهد عتیق»

من که یهوه و اول و آخر می‌باشم من هستم (اش ۴: ۴۱)  
خداوند پادشاه اسرائیل و یهوه صباوت که ولی ایشان است چنین می‌گوید من اول هستم و من آخر هستم و غیر از من خدایی نیست. (اش ۴: ۴۴)

## ۴. یهوه رسول عهد

### «در عهد عتیق»

اینک من رسول خود را خواهم فرستاد و او طریق را پیش روی من مهیا خواهد ساخت و خداوندی که شما طالب او می‌باشید ناگهان به هیکل خود خواهد آمد یعنی آن رسول عهدی که شما از او مسرور می‌باشید. همان او می‌آید، قول یهوه صباوت این است (ملا ۱: ۳).

## عیسی اول و آخر

### «عهد جدید»

من الف و یا - و ابتدا و انتها و اول و آخر هستم (مکا ۲۲: ۱۳).

## عیسی رسول عهد

### «در عهد جدید»

چنان که در کتاب اشعیای نبی مکتوب است: اینک رسول خود را پیش روی تو می‌فرستم تا راه تو را پیش تو مهیا سازد. (مر ۱: ۲)  
پس به راهنمایی روح به هیکل در آمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را به جهت او به عمل آورند... (لو ۲: ۲۷).

## ۹- یگانه قدوس

«در عهد عتیق»

مثل یهوه قدوس نیست زیرا غیر از تو کسی نیست و مثل خدای ما صخره ای نیست (۱- سمو ۲:۲).

## ۱۰- یهوه خالق همه چیز

«در عهد عتیق»

آیا ندانسته و نشنیده ای که خدای سرمدی یهوه آفریننده اقصای زمین در مانده و خسته نمی شود و فهم او را تفحص نتوان کرد (اش ۲۸:۴۰)؟

## عیسی یگانه قدوس

«در عهد جدید»

اما شما آن قدوس عادل را منکر شده خواستید که مردی خونریز به شما بخشیده شود (اع ۱۴:۳).

## عیسی خالق همه چیز

«در عهد جدید»

همه چیز به واسطه او (عیسی مسیح) آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات نتوان یافت (یو ۳:۱). زیرا که در او (عیسی مسیح) همه چیز آفریده شد آنچه در آسمان و آنچه در زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاسات و قوات همه به وسیله او و برای او آفریده شد (کول ۱:۱۶).

## ۱۱- یهوه حافظ همه موجودات عیسی حامل و حافظ همه موجودات

«در عهد عتیق»

تو به تنهایی یهوه هستی تو فلک و فلک الافلاک و تمامی جنود آنها را و زمین را و هر چه بر آن

«در عهد جدید»

و او (عیسی مسیح) قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد (کول ۱:۱۷).

## ۷- خدای داور

«در عهد عتیق»

زیرا خدا هر عمل را با هر کار مخفی خواه نیکو و خواه بد باشد به محاکمه خواهد آورد (جا ۱۲:۱۴).

## ۸- به عنوان عمانوئیل

«در عهد عتیق»

بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد اینک باکره حامله شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل (خدا با ما) خواهد خواند (اش ۷:۱۴).

## عیسی خدای داور

«در عهد جدید»

زیرا در حضور خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می دهم و به ظهور و ملکوت او (۲- تیمو ۴:۱). لذا پیش از وقت به چیزی حکم نکنید تا خداوند بیاید که خفایای ظلمت را روشن خواهد کرد و نیت های دل ها را به ظهور خواهد آورد آنگاه هر کس را مدح از خدا خواهد بود (۱- قرن ۴:۵).

زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا هر کس اعمال بدنی خود را بیابد به حسب آنچه کرده باشد چه نیک چه بد. (۲- قرن ۵:۱۰).

## عیسی به عنوان عمانوئیل

«در عهد جدید»

که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است خدا با ما (مت ۲۳:۱).

### ۱۳- یهوه تبدیل ناپذیر

«در عهد عتیق»

زیرا من که یهوه می باشم تبدیل ناپذیرم (ملا ۳:۶).  
«تو همان هستی و سال های تو تمام نخواهد شد» (عبر ۱:۱۲، ۸:۳).

«عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است».

پس به این ترتیب مشاهده می شود که ادعاهای شاهدان یهوه مبنی بر اینکه یهوه، آفریننده عیسی مسیح است و مسیح مخلوقی پیش نیست پوچ است. کتاب مقدس خیلی واضح و روشن راه نجات به وسیله عیسی مسیح را نشان می دهد. لطفاً به آیاتی که مستقیماً از خود کتاب مقدس نقل شده توجه بفرمایید:

### «راه نجات مسیحی»

- ای آقایان مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟ گفتند به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت. (اع ۱۶:۳۰-۳۱).

- پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد (اع ۳:۱۹).

- پطرس (رسول) بدیشان گفت توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت (اع ۲:۳۸).

### عیسی لایتغیر

«در عهد جدید»

است و دریاها را و هر چه در آنهاست ساخته و تو همه اینها را حیات می بخشی و جنود آسمان تو را سجده می کنند (نح ۹:۶).  
که فروغ جلالش و خاتم جوهرش بوده چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید و به دست راست کبریا در اعلی علین بنشست (عبر ۱:۳).

### ۱۲- عیسی خدای ابدی

«در عهد عتیق»

زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد (اش ۹:۶).

و تو ای بیت لحم افرازه اگر چه در هزاره های یهودا کوچک هستی از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من اسرائیل حکمرانی خواهد نمود و طلوع های او از قدیم و از ایام ازل بوده است (میک ۵:۲).

### عیسی مسیح به عنوان خدای ابدی

«در عهد جدید»

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود (یو ۱:۱). و او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد (کول ۱:۱۷).

امادر حق پسرای خدا تخت تو تا ابدالابد است و عصای ملکوت تو عصای راستی است عدالت را دوست و شرارت را دشمن می داری بنابراین خدا خدای تورا به روغن شادمانی بیشتر از رفقای مسخ کرده است و (نیز می گوید) تو ای خداوند در ابتدا زمین را بنا کردی و افلاک مصنوع دست هلی توست (عبر ۱:۸-۱۰). من هستم الف و یاء، اول و آخر می گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می آید قادر علی الاطلاق (مکا ۱:۸).

### عیسی مسیح فرمود:

«هر که را من دوست می‌دارم توبیخ و تادیب می‌نمایم. پس غیور شو و توبه نما اینک بر در ایستاده می‌گویم اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند به نزد او در خواهیم آمد و با وی شام خواهیم خورد و او نیز با من» (مکا: ۳-۱۹-۲۰).

عیسی به او گفت «من راه و راستی و حیات هستم هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یو: ۶: ۱۴).

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد (یو: ۱: ۱۲).

زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا عیسی مسیح را از مردگان برخیزانید نجات خواهی یافت. چون که به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود به جهت نجات (روم: ۱۰: ۹-۱۰).

پس خواننده عزیز، اگر می‌خواهید نجات یابید چنین دعا کنید:

«ای خداوند ما عیسی مسیح، من اعتراف می‌کنم که گناهکار هستم و احتیاج به بخشش دارم و ایمان می‌آورم که تو برای گناهان من مردی و زنده شدی تا به من حیات جاودانی ببخشی، من از حالا توبه می‌کنم و تو را در قلب و زندگی خودم دعوت می‌کنم».

- لیکن ایمان بدون تحصیل رضامندی او محال است زیرا هر که تقرب به خدا جوید لازم است که ایمان آورد (عبر: ۱۱: ۶).

- اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد (۱- یو: ۹: ۱).

- زیرا که محض فیض (بخشش) نجات یافته‌اید به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند. زیرا که صنعت او (عیسی مسیح) هستیم. آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو که خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم (افس: ۲: ۸-۱۰).

### عیسی مسیح فرمود:

«هر که به جانب من آید او را بیرون نخواهم نمود» (یو: ۶: ۳۷).

- و حیات جاودانی این است که تو را، خدای واحد حقیقی، و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند (یو: ۱۷: ۳).

- زیرا که ما به واسطه روح القدس از ایمان مترقب امید عدالت هستیم و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به محبت عمل می‌کند (غلا: ۱: ۵-۶).

- زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چیزی است و نه نامختونی بلکه خلقت تازه (غلا: ۶: ۱۵).

(هر که می‌خواهد مسیحی شود و حیات جاودانی داشته باشد باید توبه کند یعنی از گناهان خود پشیمان شده آنها را اعتراف کند و با تمام قلب آنها را ترک کند، و شخصاً با ایمان خداوند عیسی مسیح را در قلب و زندگی خودش دعوت کند).

## «زندگی جاودانی در عیسی مسیح»

و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات در پسر او (عیسی مسیح) است. آن که پسر را دارد حیات را دارد و آن که پسر خدا را ندارد حیات را نیافته است. این را نوشتم به شما که به اسم پسر خدا (عیسی مسیح) ایمان آورده اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان بیاورید. و این است آن دلیری که نزد وی داریم که هر چه بر حسب اراده او سؤال نماییم ما را می شنود و اگر دانیم که هر چه سؤال کنیم ما را می شنود پس می دانیم که آنچه را از او درخواست کنیم می یابیم (۱- یو ۵: ۱۱-۱۵).

چنان که مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود (روم ۱: ۱۷).

چنان که ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت (نیکی مطلق) محسوب شد (روم ۵: ۱).

### عیسی مسیح فرمود:

«گوسفندان من آواز مرا می شنوند و من آنها را می شناسم و مرا متابعت می کنند. و من به آنها حیات جاودانی می دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدری که به من داد از همه بزرگتر است و کسی نمی تواند از دست پدر من بگیرد. من و پدر (خداوند خدا) یک هستیم» (یو ۱۰: ۲۷-۳۰).

\* \* \*